

امروز یا مولانا

به گمانی کردن و حرس آوری هرچه بر تو آید از ظلمات و غم هر که بی یاسی کند در راه دوست

یک خبر! یک نگاه

هنوز هم کشاورزی سنتی است!

اقت آب در سفرهای زیرزمینی کوهدشت روز به روز شدیدتر می شود از سال ۹۰ تا ۸۰ افت آب در کوهدشت ۱۲ ده متر بوده است امروز افت ۲۲ متری آب در چابهار یک حقیقت تلخ است...

برش

اینجامی سوزد

اخچوف!



دایمی وایسا: چقدر وحشتناک من صد آنکشی داشتم. آن وقت مرادستگیر نکردند و به دادگاه نکشند. معلوم می شود مرا یک دیوانه می دانند. این سکه توری می خندند! من دونه هستم ولسی انهایی که بی باقتی، حماقت و سنگدلی ننگینانراست پروفیسور مغفی می کنند...

گزارش

گزارشی از گردهمایی پرستاران و احترام پرستانان به تاریخ پرستاری

از لحظه لحظه کار با بیمار لذت ببرید



فرق در این فضای لطیف انسانی، پایان نامه‌ها را به فراموشی سپرده و تصمیم گرفتیم از این لحظات و خودشی از باسما، نام مدرسه پرستاری و دوره تحصیلی معرفی می کرد و مورد استقبال نشانیمان و همکارانهای ما قرار می گرفت. بعضی ها سالها بود که دوستان و اساتید خود را ندیده بودند و با ورود به جمع و شناخت دوستان لنگ شوق می پرختند...

مجریان فراموش شده

چرموقع وقت آن می رسد که از این سرما بها برای تصمیم گیری های پرستاری استفاده کنیم؟ چرا تاریخی به این ارزشمندی رو به فراموشی است؟ چرا از عشق و تجربه این افراد برای بهبود اوضاع حرفه استفاده نمی کنیم؟ چرا این افراد در جشن ها و یادمان های پرستاری ما جای ندارند؟...

مکان: تهران، رستوران زیتون | زمان: پنجشنبه ۱۳۹۲، ساعت ۱۷:۳۰

متعلق به معلمان پرستاری دهه ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ بود که از همه میزها شلوغ تر بود، گویا همه حصار در مقطعی جابگرد آنها بودند، هر کسی وارد جمع می شد انستادری به آن میزد، دریا گل، هدیه و شیرینی سرراغ اساتید خود می آمدند و دقایقی را در آغوش ایشان قهر رفتنگی می کردند. لحظاتی بسیار زیبا و پراز حس فرارشان بود. اساتیدی چون خانم فولادی، خانم نسیب، خانم طاهری و... که به فرغم کجوت سن و مشکلات جسمی، خود را به جشن رسانده بودند و مشتاقانه و با یخندنی عمیق تماشاگر شادگان خود بودند. هر کدام از تماشاگران گذشته، خود را به اساتید معرفی می کردند و با ذکر خاطراتی خاص از آن دوران سعی می کردند خود را به اساتید بشناسانند. بسنی جای تعجب داشت که اساتید حاضر بسیاری از ایشان را پس از سالها بجا آورده و احوالشان را جویا می شدند.

شاتر

پاکسازی طبیعت در گرگان

ایرنا-گرگان-گوردستان محیط زیست روز جمعه در پنجاه و هشتمین برنامه خود در گرگان مرکز استان گلستان منطقه حفاظت شده (هزار بویج) این شهر را زلزله پاکسازی کردند.



یک فرد باید، «حق» متفاوت بودن را داشته باشد

لاهی حق خود را استیفا کند به این معنا فرد مستقل برای حقوق حق به معنی قدرت مستقل نیست. متأسفانه ما در جامعه ایران، چیزی به نام «فرد» نداریم. یعنی فردی که جامعه به خاطر حقش که او سلب شده است از آن فرد غنر خواهدی کند. باید چنین فردی در جامعه وجود داشته باشد و جامعه باید فرید هر فرد را به رسمیت بشناسد. ممکن است فردی متفاوت با همه اعضای جامعه باشد که اکثر ایشان فارغ التحصیل دانشکده پرستاری فعلی تهران بودند. من که برای گرفتن مجامعه جهت تکمیل پایان نامه به آن جا رفتم بودم

محمدرضا جوادیه گناکه

آزوی من برای جلمعلام این است که «فرد» در «زمن» شکل بگیرد. «سپیل دو کیم» (Emil Durkheim) جامعهشناس فرانسوی معتقد است که جامعه به فرد مقدم است. این معنا که «فرد» از «زمن» «جمله» زاده می شود. منظور من از فرد فرد مستقل است یعنی فردی که بتواند به تنهایی حق خود را بدون لگند زدن، جامعه بگیرد. تا یک من روی واژه «به تنهایی» به این معناست که این فرد بتواند بدون نیاز به رساله یا حامی یا پارتی با